



# عکس خوب

## حاصل تلاش، عشق و صداقت عکاس است

ایران محسنی

عکاسی گستره‌ی وسیعی را شامل می‌شود که در یک‌سوی آن می‌توان عکاسی را صرفاً به‌عنوان صنعت مطرح کرد و در سوی دیگر، آن را به‌عنوان هنر ناب شناخت؛ همان‌طور که شعر ناب‌رامی‌شناسیم.

عکاسی به‌عنوان صنعت، یعنی نوعی از عکاسی که انسان و تفکر و اندیشه‌اش هیچ‌گونه دخل و تصرفی در آن ندارد یا اگر دارد، این اندیشه و تفکر صرفاً برای سامان دادن به عکس براساس روش‌های آزموده شده است و آن هم بدین‌منظور که عکس از نظر تکنیکی مشکلی نداشته باشد: نوردهی یا نورپردازی درست باشد، کادربندی براساس معیارهای شناخته‌شده، صحیح باشد، و از این قبیل.

مثالی برای این نوع عکاسی، یعنی جایی که عکاسی صرفاً صنعت است و حتی چشم انسان هم برای انتخاب لحظه‌ی عکاسی دخیل نیست، عکاسی ماهواره‌ای است که از فضا دقیق‌ترین تصاویر را به زمین مخابره می‌کند. در این نوع عکاسی، همه‌چیز طبق فرمول و حساب‌شده انجام می‌گیرد. این‌جا عکاسی صرفاً علم است و صنعت است و البته کاربرد خودش را دارد و بسیار هم مفید است. یا نوع دیگر آن، عکاسی از طریق میکروسکوپ یا تلسکوپ و مانند آن برای مقاصد پژوهشی است.

جاهای دیگری هم هستند که انسان مستقیماً در عکاسی دخل و تصرف دارد، اما این دخل و تصرف او مانند دخل و تصرف یک صنعتگر در کار صنعتی‌اش است؛ مثل دخل و تصرفی که یک تراشکار برای تراشیدن قطعه‌ای به‌کار

معمولاً در کلاس‌های نظری عکاسی این سؤال مطرح می‌شود که: «عکس خوب چیست؟» عکاسی می‌گفت: عکس خوب عکسی نیست که فقط عکاس را راضی کند. عکس خوب را همه‌ی مخاطبان و بینندگان هم باید درک کنند و بفهمند. درحالی‌که ما گاهی یادمان می‌رود، عکس خوب از دید ما، ممکن است برای بسیاری از آدم‌ها بی‌مفهوم باشد.

عکس‌های کاپا، نجوی، مک‌کوری و یا حتی ویجی از جمله عکس‌های خوب تاریخ عکاسی محسوب می‌شوند، ولی تفاوتشان با عکس‌های خوب این روزها این است که هر نسل و هر چشمی آن‌ها را می‌فهمد. این روزها عکس خوب به عکس‌های انتزاعی می‌گویند که یک دست یا پارچه و یا یک فیگور ثابت را ثبت کرده است... همین و بس!

گاهی یادمان می‌رود که عکس‌های خوب تا امروز توانسته‌اند جلوی جنگ‌ها را بگیرند، توطئه‌های را خنثا کنند، سناریوی را رقم بزنند، یا سرنوشت ملتی را تغییر دهند.

عکس خوب چیست؟ اگر پاسخی برای این سؤال وجود داشته باشد، ابتدا باید این نکته مشخص شود که از عکاسی چه می‌خواهیم یا چه می‌دانیم و نگاه ما به عکاسی چگونه است. این که از تصویر چه می‌خواهیم و هدف از عکاسی چیست، می‌تواند نکات زیادی را روشن کند. فقط کافی است کمی از دیدگاه‌های زیادی شخصی فاصله بگیریم.

می‌گویند یکی از ویژگی‌های عکس خوب این است که «در ذهن می‌ماند». بسیاری از عکاسان بزرگ دنیا در پاسخ به این سؤال گفته‌اند که هر وقت خودخواهانه عکس‌نگرفتی و تصویری فراتر از دید شخصی خود ثبت کردی، عکس خوب شکل می‌گیرد. برای این کار، راه‌های فنی و تکنیک‌های فراوانی هم وجود دارند، ولی روش هر فرد منحصر به خود اوست. کتاب‌ها و وب‌سایت‌های زیادی وجود دارند که ویژگی‌های عکس خوب را بررسی کرده‌اند. ولی صادقانه نگاه کنیم: «تا به حال چند عکس در ذهنمان باقی مانده‌اند؟ در همان چند در صد، چه میزان تکنیک تأثیر داشته است و چه قدر صداقت عکاس؟»

من تصور می‌کنم، عکس زمانی فارغ از ملاک‌های خوب و بد در ذهن می‌ماند که ذره‌ای تفکر از پیش تعیین شده مبنی بر خوب! شدن، در آن وجود نداشته باشد. گاهی وقتی تصمیم می‌گیریم عکس‌مان خوب شود، دیگر خودمان نیستیم و روح خودستایی برعکس سنگینی می‌کند.

عشق است. تا عشق نباشد، هیچ کار هنری، هیچ شعری به وجود نمی آید.»

**مولانا** هم می گوید: «خون چو می جوشد، منش از شعر رنگی می زنم.»

عکاس هنرمند هم جوشش درونی خودش را و احساس و اندیشه اش را در قالب عکس بیان می کند. این جا تکنیک اگر چه گاهی مهم است، اما در اولویت نیست. گاهی هم اصلاً تکنیک به معنای استفاده از ابزار و وسایل خیلی خاص و یا بها دادن بیش از حد به ظرایف، اهمیتی ندارد. یعنی عکاس هنرمند با یک دوربین ارزان قیمت دیجیتال یا غیردیجیتال، می تواند آن جوشش درونی حاصل از احساس و اندیشه ی خود را در کسری از ثانیه ثبت کند.

هنرها و ادبیات همگی ریشه های مشترکی دارند: یک قطعه موسیقی؛ یک فیلم؛ یک فریم عکس؛ یک رمان یا داستان کوتاه؛ یک غزل و... یک نگاه. در همه ی شاخه های عکاسی، مثل عکاسی زیر آب، حیات وحش، شب و نیز عکاسی تبلیغی و هنری، به ابزار و لوازم اختصاصی نیاز است. ابزار اختصاصی عکاسی خبری هم، داشتن روحیه و اخلاق اجتماعی و انسانی است. سوژه ها نباید احساس کنند که به اجبار در کادر آمده اند. پیدا کردن راه دوستی و صلح، خیلی راحت تر از کلک بازی است.

یک بار از یک عکاس قدیمی پرسیدم که دلیل موفقیتش به عنوان یک عکاسی خبری و جهان گرد چیست. او گفت: «عکس خوب!» و وقتی پرسیدم چه طور می توانی این همه عکس خوب بگیری، جواب داد: «۳۰ سال با عکس هایم حرف زده ام. دیگر حداقل خودم می دانم از عکاسی چه می خواهیم. من می توانستم یک گزارشگر ساده ی مطبوعاتی باشم، ولی ناگهان وسط کار متوجه شدم، این رسالت من نیست. من باید یک عکاس خوب شوم.»

گرفتن عکس خوب رابطه ی مستقیم با اخلاق عکاسی دارد؛ به تعهد و درونیات عکاس و... گاهی زیاده طلبی، عکاس را از هدف واقعی دور می کند و گاهی هم برایش مفید است.

عکس خوب در یک کمپوزسیون خوب و یا زیرنویس خوب نیست. عکس خوب مدیون تلاش، عشق و صداقت عکاس است.

می برد، یا کاری که قالبی باف پای دار قالبی انجام می دهد. در این گونه عکاسی، محصولی تولید می شود که مفید و ارزشمند و چه بسا زیباست، اما به هر حال حاصل یک کار صنعتی محسوب می شود و عکاس به عنوان یک صنعتگر مطرح است. بسیاری از عکس ها در شاخه های متفاوت عکاسی، مثل عکاسی صنعتی- تبلیغاتی، عکاسی خبری، عکاسی طبیعت و نیز برخی شاخه های دیگر، از این مقوله اند.

در این گونه عکاسی، عکاس صنعتگری است که می تواند دقیق و زیبا عکاسی کند. بسیاری از ذوق ها این گونه عکس ها را می پسندند و از دیدن آن ها لذت می برند. برای این گونه عکس ها، متخصصان هر رشته تا حدود زیادی می توانند تعاریف یک عکس خوب را بیان کنند. اما آن جا که عکاسی به عنوان هنر مطرح می شود، ارائه ی تعریف دقیق از عکس خوب، اگر ناممکن نباشد کار دشواری است.

آن جا که عکاسی را هم طراز شعر ناب می شناسیم، همان قدر که تعریف دادن از شعر مشکل است، عکاسی را هم نمی توان توضیح داد.

**اخوان ثالث** در تعریف شعر جایی این گونه گفته است: «شعر محصول بی تالی آدمی است، هنگامی که در پرتو شعور نبوت قرار می گیرد.» و جای دیگری در پاسخ به «نقش عشق در سرودن چیست»، می گوید: «تمامت نقش به عهده ی